

۲۵مین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ و برپایی توفان از امواج خونین مبارزات!

در آستانه‌ی ۲۵مین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، انقلابی که درخون زاده شد و به خون تپید، استان کرمان به دنبال استان بلوچستان غرقه در خون شد. نه تنها بیش از ۵۰ هزار نفر در شهرستان بم قربانی حماقت شیخان شکم پرست و پول پرست در قدرت شدند، بلکه تظاهرات مسالمت آمیز کارگران مس میروک خاتون آباد از توابع شهرستان بابک، بی رحمانه توسط تفنگ به‌دستان رژیم به خاک و خون کشیده شده و دهها نفر کشته و مجروح شدند. این جنایت کار به‌دستان رژیم، خشم به حق کارگران سراسر ایران را در پی داشت که به هم‌دردی با کارگران مس خاتون آباد برخاستند و انزجار خود را از نظام ضدکارگری و ضدبشری جمهوری اسلامی اعلام کردند. خون ریخته شده‌ی کارگران درخت هم‌بسته‌گی مبارزاتی کارگران را به گل نشاند. کارگران شرکت ایران خود رو، کفش شادان پور، خبازان شهرستان سقز، کارگران معادن سنگ آهن بافق، اتحادیه کارکنان بیمارستانها و مراکز درمانی کشور و... هم‌دردی خود را اعلام نمودند. کشتار کارگران معترض خاتون آباد را محکوم کردند که نشان‌دهنده‌ی چرخش بزرگی در مبارزات کارگری علیه رژیم است. درود پرشور ما به این حرکت انقلابی و انسانی!

اما، خون ریزیهای رژیم محدود به کارگران نمانده است. در دیماه امسال بیش از ۲۰ نفر در شهرهای مختلف ایران اعدام شدند. در ماه بهمن نیز اعدامها ادامه یافتند: اعدام سه نفر و از جمله یک زن در دزفول، کرج و قزوین؛ اعدام جوان ۱۷ ساله‌ای در ۵ بهمن در ایلام؛ به دار آویختن جوان دیگری در تهران؛ به دار آویختن سه نفر در خوی در ملاء عام؛ خفه کردن با طناب ۴ جوان در شهرستان ماهشهر و یک دختر دانش‌جو به همین نحو در آن جا که حکایت از تداوم قتل‌های زنجیره‌ای، عنکبوتی و... دارد. این قساوت بی‌انتها در مورد نسل جوان کشور، تنها و تنها به خاطر زهرچشم گرفتن از حرکت‌های اعتراضی جوانان و مردم به پا خاسته‌ی ایران و حفظ موقعیت حاکمین در ایران برای چندصباحی بیشتر است!

مردم ایران نیز از طریق اعتصابات و تظاهرات مکرر در مکرر کارگران، معلمان، پرستاران، دانش‌جویان و غیره نفرت و انزجار خود را از رژیم تحمیلی و پوسیده‌ی اسلامی، اعلام کرده‌اند و امواج این مبارزات "دهه‌ی فجر" رژیم را به "دهه‌ی زجر" آن تبدیل کرده و سران رژیم، دیوانه وار برای حفظ موقعیت خود، دامن زدن به جو رعب و وحشت را در پیش گرفته‌اند. اما انگشت اتهام اکثریت عظیم مردم جان به لب رسیده‌ی ایران به سوی سران رژیم و قداره بندانش نشانه رفته و این حرکت‌های اعتراضی خاموش نشدنی است.

در اثر این مبارزات، سران رژیم به جان هم دیگر افتاده‌اند و تمامیت خواهان با احساس نزدیکی غرق شدن در دریای خون ریخته شده مردم، کنترل خود را از دست داده و دست به دامن امپریالیست‌های اروپا و آمریکا شده‌اند و با اندیشه‌ی به دست گرفتن کامل مجلس بی اختیار در دوره‌ی هفتم، دست به چنان تهدیدهای احمقانه زده‌اند که نتیجه‌اش طبق گزارشات کار به‌دستان "اصلاح طلب"، روی گردانی ۹۵٪ مردم ایران از آنان شده است!

کاری که هم اکنون خامنه‌ای و شرکاء در پافشاری به انجام انتخابات در اول اسفند، انجام می‌دهند، همانند یکه تازی بوش و شرکاء، نشان‌دهنده‌ی عمق جهل و نادانی هیئت حاکمه‌ی مرتجع ایران است! اینان با تن ندادن به خواست مردم و پافشاری روی حماقت‌های خود تا لحظه‌ی آخر، همانند رژیم سلطنتی، قبر خود را با دست خود می‌کنند و چه بهتر!

رژیم ولایت فقیه اسلامی، رفتنی است. مجلس هفتم آن نیز با یا بی "اصلاح طلبان" کارساز نخواهد شد و با تحریم اکثریت عظیم مردم روبه رو خواهد گشت. برای براندازی رژیم و رهایی از ظلم و ستم نظام سرمایه‌داری حاکم راهی جز انقلاب و تشکیل جمهوری شورایی کارگران و زحمت‌کشان، باقی نمانده است. راه‌های میانه نظیر

رفراندوم، تشکیل مجلس موسسان، ایجاد جمهوری لائیک و غیره، بدون گرفتن قدرت توسط کارگران و زحمت‌کشان، درمان درد جامعه ایران و مردم آن نمی‌باشند و قابل تحقق نیز نیستند و جز توهم پراکنی نتیجه‌ای در برنخواهند داشت. نباید گذاشت دایره‌ی منحوس گذار از یک قدرت بورژوازی به قدرت دیگر بورژوازی یک بار دیگر تکرار شود. باید رژیم را از طریق برپایی اعتصابات عمومی و قیام قهرآمیز سراسری سرنگون ساخت. رهبری راستین چنین حرکتی نیز طبقه کارگر و در راس آن حزب واحد کمونیست ایران باید باشد. در فقدان چنین حزبی ما باز هم شاهد شکست خیزشها خواهیم شد که برای مردم ایران فاجعه بار است. تلاش کمونیستها برای ایجاد حزب رهبری‌کننده‌ی توده‌های انقلابی امروز اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است !

۱۸ بهمن ۱۳۸۲ - حزب رنجبران ایران